خبر

باارزش‌ترین هدایای محمد کاسبی

محمد کاسبی، بازیگر سینما و تلویزیون از چفیه رهبر معظم انقلاب و انگشتر حاج‌قاسم به‌عنوان باارزش‌ترین موارد اهدایی به خود یاد کرد که تا آخرین لحظه عمر خود از آنها با جان و دل نگهداری می‌کند. در ادامه تکریم و دیدار با هنرمندان و اعضای صندوق اعتباری هنر، سیدمجید پوراحمدی، مشاور وزیر ارشاد و مدیرعامل صندوق اعتباری هنر با حضور در منزل محمد کاسبی، هنرمند پیشکسوت عرصه سینما، تئاتر و تلویزیون کشور، جویای احوال این هنرمند همراه با آخرین وضعیت جسمی و درمانی او شد. محمد کاسبی در این دیدار با ذکر حدیثی از نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) که فرمودند «قدم‌هایی که برای عیادت از بیمار برداشته می‌شود حسنات برای آنها نوشته می‌شود» مطرح کرد: امروز که شما برای عیادت بنده آمدید، بدون تردید طبق این حدیث شریف، حسنات فراوانی نصیب شما خواهد شد.

رونمایی از چفیه رهبر معظم انقلاب همراه با انگشتری حاج‌قاسم سلیمانی برای حاضران که سال گذشته هنگام بستری در بیمارستان به کاسبی اهدا شد پایان‌بخش این دیدار صمیمانه بود.

بازیگر آثاری چون پدر، بدوک و خوش‌رکاب از این دو هدیه به عنوان ارزشمندترین موارد اهدایی به خود یاد کرد که تا آخرین لحظه عمر خود از آنها با جان و دل نگهداری خواهد کرد.

نگاهی به زمینه‌سازی فیلم «برادران لیلا» و جولان «آیه‌های زمینی» در جشنواره کن

زن، زندگی، اغتشاش

در روزگاری که فیلمنامه‌های سفارتخانه‌ای فرهنگ ایرانی را مورد هدف قرار داده‌اند و فستیوال کن، مکان عرض‌اندام سلبریتی‌هایی شده که با این جریان همدستی می‌کنند که نمونه آن را این روزها با فیلم «من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» و «آیه‌های زمینی» در هفتادوششمین جشنواره کن شاهد هستیم، البته ۴۰ فیلم دیگری که گویا با تلاش غرب ساخته شده‌اند که آن‌قدر بی‌کیفیت بودند که حتی مدیران این جشنواره هم از انتخاب آنها سرباز زدند، بازخوانی دقیق آثاری که این‌گونه به فرهنگ ایرانی لطمه می‌زنند بیش از پیش ضروری است. از همین منظر نگاهی می‌کنیم به جریانی که برادران لیلا در سال گذشته کلید و در ادامه آن منجر به ناآرامی در کشور شد و فیلم‌های امسال هم در جهت تقویت این جریان منحوس امسال در کن جولان می‌دهند.

میراحمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

متن حاضر حدود یک‌ششم مقاله کامل و صرفا تجزیه و تحلیل ایماژ نخستین فیلم برادران لیلاست. آثاری مانند برادران لیلا و کارهای فرهادی، پناهی، رسول‌اف و فیلمسازان دارای سنخیت ایدئولوژیک و پیروی از غرب، ادعای کاذب‌شان، مبارزه با عقب‌ماندگی و سنت‌های پدرسالارانه و استبداد کهنه و باورهای خرافی، برای رهاشدن از گذشته و مدرن شدن و کسب آزادی و دانش و نو شدگی است. در مقابل این داعیه، درک دینی از جهان اساسا، با مستندات عینی و مدارک تفکر نیست انگار، نفی حقیقت یکتا و نفی سرچشمه هستی، خود مدرنیت، نگرش دنیاگرا، نفس‌پرستی اومانیستی، نیست‌انگاری فلسفی و جهان‌نگری مادی و ایدئولوژی لیبرال را علت بزرگ ظلمات عصر جدید می‌داند که سرمایه‌سالاری وحشی، استثمار و مسخ جهانی انسان، کشتار و خونریزی و تجاوز و فساد و بر باد دادن ارزش‌های فطری انسان و بردگی اقماری و استکبار و فرعونیت مدرن و پلشت کردن حقیقت انسان و غلبه شهوات بر عقل و... از نتایج این تمدن است که رشد مادی آن چون موجود ناقص‌الخلقه به ناتوانی روحی، اخلاقی، معنوی، کوری و کری جهالت‌بار بدل شده است. آنچه فیلم‌هایی چون برادران لیلا ترویج می‌کنند، سوءاستفاده از جهل و وارونمایی علت رخدادها و نوشتن خرافه‌های عرفی به پای دین و خدمت به همین نظام ویران و غیراخلاقی و تصویر جعلی از علل ویرانی خانواده و تحریض به این ویرانی سندگذاری می‌شود.

جاسوسی مدرن با جریان نفوذ

هرگز لازم نیست این هنرمندان جاسوس سنتی باشند. آنان مروج نفوذ اغوای شیطانی هستند. از بحران‌های جهل انسان در تاریخ و اجتماع سود می‌جویند تا آن را به‌پای دین و سنت‌های اصیل ایرانی بنویسند و به سود خودباختگی و دنباله‌روی و بردگی مدرنیت و قدرت جهانی سرمایه و حاکمان مستکبر دنیا و تسلیم‌شدن به ماهیت فساد غربی، از آن بهره ببرند و فیلم‌های غربگرای ما ابزار نفوذ اغوای شیطانی‌اند. کاش واقعا آنان با جهل، فساد و دیکتاتوری در همه جا و مقدم بر همه جا در کشورهای کانون جنایت جهانی که حامی این هنرمندان در نفی استقلال، آزادی و مقاومت انقلابی ایران ما هستند، مخالفت می‌کردند.

راه اسلامی، نه بگیر و ببند علیه تفکر مدرن، بلکه آگاهی‌بخشی عمومی و جدل نیکو و برهانی است، مگر آنجا که ضدمنافع ملی، عمل فاسد و مناسبات ضدقانونی و مخفی فاش می‌شود که قانون عادلانه به آن رسیدگی می‌کند.

این نقد نشان دادن فساد نگرش غربگرا در ساختار بصری و تصاویر و روایت فیلم برادران لیلاست که عمیقا عناصر زیبایی‌شناسی مستبدانه‌اش در تبلیغ غربگرایی در این دایره حاکمیت کلان روایت‌هاست که ساختار روایی و بصری فیلم، پیروانه از پیشداوری‌ها و شعارهای ایدئولوژیک فیلم شکل می‌گیرد که به آن می‌پردازم، چون تا زمانی که ما به صورت انتزاعی از این کلان روایات حرف می‌زنیم برادران لیلا، پرطمطراق، فیلمی مهم و متفکرانه به نظر می‌رسد، تنها با تمرکز انتقادی بر جزئیات شکل‌دهی تماتیک و ساختاری در قالب روایت مشخص فیلمنامه و نیز سطحی‌گری فکری در جزئیات محتوایی است که با تناقضات و پاشیدگی و انسجام نداشتن و نافهمی‌های مفرط روبه‌رو می‌شویم:

شروعی برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی

دیدیم که فیلم برادران لیلا با تصویری از اسماعیل جورابلو، پدر خانواده شروع می‌شود. او در مبلی مندرس در خانه‌ای قدیمی، با چهره‌ای ریش نزده و مندرس به نقطه نامعلوم در بیرون خیره شده و خیال می‌بافد در خانه‌ای که به‌زودی شاهد فروپاشیدگی درونی آن و بنیان‌های فرهنگی کهنه و گسست درونی و شکاف نسلی و مشکلات بحرانی گوناگونش در جهان فیلم خواهیم شد و این وانموده چون بازنمایی واقعیت بیرونی وانمود خواهد شد!

در فیلم ریشه این شکاف و گسست و فروپاشی در پدرسالاری در حال اضمحلالش نهفته است. علمدار این گسست و فروپاشی، و نشان خرد در فیلم، دختر خانواده است. او لیلا نام دارد که نهاد خردمندی در او مأوادارد. او همان الهه اسطوره‌ای زن/زندگی آفرینی، مام وطن و عقل فعال و زهدان خلاق است که یک تنه برای نیروی زایش نو و نوشدگی خانواده برابر پدر / مانع، این فرتوتی بیمار و خودپرست می‌ایستد که استبداد رأی و خودخواهی او و عقده‌هایش مایه بحران‌زا و ویران‌کننده سعادت خانواده است. مردان دیگر چهار برادر لیلا هریک تجلی سیمایی از ناتوانی و فقدان عقلانیت و وابستگی و دلبستگی مردانه به پدری هستند و ماهوا به سبب مرد بودن قادر به گسست از نظم گفتار خرافه‌آلود پدرسالاری نیستند و هر یک به گونه‌ای از پدر دفاع می‌کنند و در ناتوانی خود دست و پا می‌زنند و حتی قادر نیستند، قدمی عقلانی برای نجات خود بردارند. و این لیلاست که موتور محرکه آنان برای یافتن راه‌حلی برای زندگی و آزاد شدن از قیدهای اخلاقی پوچ گذشته‌ای است که نمی‌گذارد. از نظرگاه فیلم سبب بدبختی این مردان ضعیف و بیچاره است که اعتماد به نفس ندارند و لیلا آنان را به عقل و عمل و رها کردن احساسات بازی‌های غیر واقع‌بینانه مردسالارانه فرامی‌خواند.

آنچه فیلم‌هایی چون برادران لیلا ترویج می‌کنند، سوءاستفاده از جهل و وارونمایی علت رخدادها و نوشتن خرافه‌های عرفی به پای دین و خدمت به همین نظام ویران است

فیلمسازی که بی‌لکنت مردان را ترسو می‌خواند

باز دیدیم در تصاویر کارخانه، علیرضا، نزدیک‌ترین برادر به لیلا، یک موجود ترس‌زده گریزان از صحنه عمل اعتراضی است که البته کارگری در گیرودار کشمکش، به نمایشی ضعیف و شعاری به آن اشاره می‌کند. صحنه آغازین کارخانه، در ظرف ایماژ نخستین می‌تواند درک شود. این ایماژ با برش‌های پی در پی سه فضا/شخصیت اصلی را به تماشا می‌نهد و در جزئیات صحنه‌ها و نماهای این تدوین و آغاز نمادین/دراماتیک، راز و موقعیت وجودی این سه نفر؛ پدر/اسماعیل جورابلو، دختر اسماعیل / لیلا و پسر اسماعیل/علیرضا، به صورت نمادین /واقعی با ما در میان گذاشته می‌شود. پدر در هپروت رهبری و بزرگ‌خاندان شدن غرق است (خواهیم دید خودخواهی او همه را اسیر فلاکت کرده) و لیلا، این الهه زن/زایش، این عقل فعال، این تنها نیروی کنش‌مند خانواده، از حمل بار سنگین حماقت خانواده و به دوش کشیدن بار زندگی به تنهایی و تلاش برای آزادی از میراث مناسبات بی‌خردانه و خودرأی و ارتجاعی و خرافی، کمرش خم شده و فیزیوتراپی گویای این امر است. کلوز آپ‌های دردمند چهره‌اش در پیوند با وقوفش بر ستم خانه/پدر و جامعه/کارخانه، بر این آگاهی شخصیت لیلا تأکید می‌کند. او درد می‌کشد و نیاز به ماساژ، یک همراه، به علیرضا برادرش در حمل بار تکلیف تاریخی‌اش دارد. اما علیرضا، برادر، که حضورش در میانه کارخانه، مبین ضعف، گریز و ترس‌زدگی اوست نشان می‌دهد که لیلا چه تنهاست و امیدش به مردی است که ناتوان از به دوش کشیدن بار مسئولیت است. این معنای اصلی نهان‌شده در کات‌های ایماژ آغازین است. آیا چیزی که فیلمساز می‌خواهد بگوید، بی‌لکنت می‌گوید؟

القائات فیلمساز در جهت رعب‌انگیزی

در این ساختمان روستایی، خام‌دستی‌ها، زیاده‌گویی و تظاهرات گل درشت، لحن القایی و voice of God و ادای دانای کل در آوردن و مداخلات عیانی وجود دارد. کاربرد فرمول‌های کلیشه و بس پیش پا افتاده و مکرر جایگاه دوربین، انتقال شعاری تصاویر مهاجم، چه اشیا و ماشین‌های عظیم‌الجثه و چه نیروی ضد شورش در حد گزارش‌های تلویزیونی و درس‌های کتاب مقدماتی معنای نماها و زوایای رو به بالا و رو به پایین دوربین، تکرار بی‌فایده نماهای آغازین و...از مشکلات و ضعف‌های همین نماهای پر طمطراق است، همه نماهای فیزیوتراپی لیلا، با یک بار دیدن انرژی‌اش به ته می‌کشد و باقی متن پرکردن مصراع با کلمات اضافه برای درست کردن وزن کلیشه‌ای در شعر کلاسیک است.

نماهای کارخانه هم در تکرارشان لایه‌های درونی تازه‌ای را عرضه نمی‌کنند. بیان ایده آن کلان روایت جدل نیروی کار با استثمار و زورگویی و ستم تعطیل کارخانه و کلان روایت پاسیفیسم و گریز مردان خانواده که تازه علیرضا بهترین‌شان است، فراتر از شگردهای خلاق در فیلم تظاهر دارد. لذت فیلمساز تازه‌کار از اداره صحنه‌های شلوغ مجوز دارد، ولی برای روستایی این وسوسه یک کودکی است. باید منصفانه بگویم او همه تلاش متظاهرانه نماهای عظمت‌خواهانه را در القای حاکمیت غول ماشین‌آلات بر کارگران و نهان کردن مردان در لابه‌لای آهن و تسمه و زنجیر به کار گرفته و نمی‌توان گفت خام‌دستی از جنس کار فیلمسازان کودن است، بلکه از جنس فیلمسازی شعارزده است که یادآور دهه‌های نخستین فیلمسازی بلشویکی، بدون وجود خلاقیت بزرگ نظری و عملی کسانی چون آیزنشتین و پودوفکین و داوژنکوست. عمل پلیس و نیروی ضد شورش از پیش آماده و صدای مرعوب‌کننده فرمان‌دهنده به ترک بی‌سرو صدای کارخانه، می‌کوشد تماشاگر را خلع سلاح کند تا به جای اندیشیدن به علت تعطیلی و مقصر اصلی، چشم بسته القائات فیلمساز رعب‌انگیز و مهاجم را بپذیرد. اینجا بیاد می‌آورم کیارستمی از همین در اختیار گرفتن نیروی خرد تماشاگر با شگرد فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی و فیلمبرداری و تدوین و فضاسازی هالیوودی در بهترین بهره و توانش، می‌گریخت و به سود شگردهای آزادی تفکر و مجال درک مستقل تماشاگر و رهایی‌اش از سحر و جادوی تصویر، از امتیازات فریبکارانه تکنیک‌های اغوا و بازنمایی احساساتی سینمایی، به نفع تماشای منصفانه فیلم، چشم می‌پوشید.

مکث

همدستی سلبریتی‌ها و فرعونیت عصر

البته باید گفت در چارچوب تکنیک دراماتیک دلخواه کارگردان، بازی نوید محمدزاده، کاملا گویاست. گریز و استرس و ترس خوردگی و تحرک بدنش و چهره‌اش در القای درونی حس علیرضا تا حدودی موثر است و من کاری به تفکر سیاسی او در داوری کار هنرمندانه‌اش ندارم. او از منظر سیاسی، عضوی از تیم وانموده‌های بی‌شرمانه قدرت سلطه جوی جهانی در ماجرای ایران علیه هویت بردگی گریز ملت ما عمل کرده است. این را هرگز نه من، نه مردم مقاوم علیه سلطه پلشت و نه یاران انقلاب آزادی بخش ایران و نه تاریخ از یاد می بریم و نه مهم‌تر از همه، خدای دادگر همدستی سلبریتی‌ها و فرعونیت عصر را فراموش خواهدکرد.

قاب

مجوز اکران «آه سرد» صادر شد

پروانه نمایش فیلم سینمایی «آه سرد» به کارگردانی رضا محقق صادر شد و این فیلم خود را مهیای اکران در سینماهای سراسر کشور خواهد کرد. «آه سرد» به تهیه‌کنندگی رضا محقق، نخستین فیلم سینمایی در کارنامه ناهید صدیق است که سال گذشته در بخش سودای سیمرغ چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و سیمرغ بلورین ویژه هیات داوران بخش سینمای سعادت را دریافت کرد. قصه آه سرد درباره بها و بهرام است که در جاده‌ای همراه و همسفر شده‌اند بی‌آن که حرفی برای گفتن داشته باشند. بها در فکر انتقام است تا به رنج‌هایش پایان دهد. ایمان صدیق و علی باقری بازیگران اصلی این فیلم هستند.

تولید

صدور مجوز ساخت چند فیلم سینمایی

نوید محمودی، بهمن کامیار و کریم امینی از جمله سینماگرانی هستند که به‌تازگی برای ساخت تازه‌ترین فیلم‌های سینمایی خود مجوز گرفتند. شورای پروانه ساخت فیلم‌های سینمایی به تازگی با تولید چند فیلم سینمایی موافقت کرده که طبق اعلام روابط عمومی این سازمان یکی از این فیلمنامه‌ها «لاک‌پشت» است. «لاک‌پشت» قرار است به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهمن کامیار ساخته شود. کامیار پیش از این به عنوان کارگردان فیلم‌های نیم، مرداد و در وجه حامل و در مقام تهیه‌کننده آثاری چون سد معبر و خونسرد را ساخته است. پروانه ساخت فیلم سینمایی «آخرین تولد» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی هم از تازه‌ترین مجوزهاست. آخرین همکاری این دو برادر، سریال «پوست شیر» بود. فیلم‌های رفتن، هفت‌ونیم و چند متر مکعب عشق از دیگر ساخته‌های برادران محمودی است. «جلبک» به تهیه‌کنندگی و نویسندگی سیدابراهیم عامریان و کارگردانی کریم امینی هم دیگر فیلمنامه‌ای است که به تازگی پروانه ساخت گرفته است. این دو سینماگر، این روزها کمدی پرفروش فسیل را روی پرده سینما دارند.

گیشه

«فسیل» ۱۵۰ میلیاردی شد

کمدی «فسیل» به کارگردانی کریم امینی موفق شد با فروش بیش از دو۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیونی شامگاه جمعه، میزان مجموع فروش خود را به بالاتر از ۱۵۰ میلیارد تومان در گیشه سینما برساند.

تعداد مخاطبان این فیلم هم از مرز سه میلیون و ۳۵۵ هزار نفر عبور کرد و در زمینه جذب تماشاگر هم موفق شد فیلم مطرب به کارگردانی مصطفی کیایی را پشت سر بگذارد. تعداد مخاطبان فسیل در حالی از مرز سه میلیون و ۳۵۳ هزار نفر فراتر رفته که این فیلم توانست با فروش شب گذشته، تعداد تماشاگران خود را از سه میلیون و ۳۰۰ هزار نفر مطرب عبور دهد. فسیل برای رسیدن به گیشه ۲۰۰ میلیاردی، به متوسط روزانه ۱۸ هزار مخاطب و مجموع چهار میلیون و ۲۵۰ هزار تماشاگر نیاز دارد. درصورت این اتفاق، این کمدی عنوان پرمخاطب‌ترین فیلم یک دهه اخیر سینمای ایران را از آن خود می‌کند.

این کمدی در حالی با فروش خیلی خوب در گیشه به سمت رکوردشکنی‌های دیگر گام برمی‌دارد که اخیرا با ادعایی مبنی بر سرقت طرح روبه‌رو شده است.